

# نامه پوئس رسول به رومیان

## مقدمه

پوئس از طرف سرور ما عیسای مسیح فراخوانده شد که به عنوان یک رسول، پیام خبرخوش را به یهودیان و غیریهودیان برساند. او این نامه را وقتی نوشت که آماده‌گی سفر به روم و دیدار از ایمانداران آنجا را می‌گرفت. پوئس بعد از تقدیم سلام و احوال‌پرسی با کلیسای روم، اظهار می‌دارد که در وقت دعاهايش همیشه به یاد آنها بوده است. پوئس رسول می‌خواست بعد از رفتن به روم از ایمانداران آنجا کمک بخواهد تا در سفرش به اسپانیا او را یاری نمایند. پس از آن که کار رسانیدن خبرخوش عیسای مسیح و تأسیس کلیساها در شرق آسیای صغیر یا ترکیه کنونی پایان یافت، پوئس به فکر انتشار این خبرخوش در غرب شد.

در این نامه، پوئس رسول با الهام از روح مقدس، عقاید خود را در مورد ایمان مسیحی و عملی نمودن احکام مسیح در زندگی، برای پیروان عیسای مسیح توضیح می‌دهد. او می‌گوید که این خبرخوش آشکار می‌نماید که خدا چگونه فقط به وسیله فیض خود، رابطه مردم را با خودش برقرار می‌سازد. پوئس توضیح می‌دهد که همه در برابر خدا گناه کرده‌اند و در این مورد هیچ فرقی میان یهودی و غیریهودی نیست.

پوئس رسول در این نامه شرح می‌دهد که زندگی جدید، نتیجه‌ای رابطه جدید با خدا می‌باشد. وقتی که یک ایماندار با خدا آشتی می‌کند، به وسیله روح مقدس، قوت می‌یابد تا در برابر گناه و قدرت شیطان مقاومت کند.

همین‌گونه در این نامه، پوئس رسول به توضیح هدف خدا از شریعت می‌پردازد. او این موضوع را بر اساس نقشه خدا می‌پندارد که عیسی از طرف یهودیان رد شد تا به این وسیله غیریهودیان

نیز از طریق عیسای مسیح شامل فیض خدا گردند. پولس باور داشت که یهودیان برای همیشه عیسای مسیح را رد نخواهند کرد و امید داشت که آنها روزی نجات خواهند یافت. او این موضوع را ادامه داده و اظهار می‌دارد که مردم تنها از طریق ایمان به عیسای مسیح می‌توانند در نظر خدا عادل شمرده شوند. پولس رابطهٔ جدیدی را که از طریق اتحاد با مسیح حاصل می‌شود، تشریح می‌دهد. یعنی این که یک ایماندار، با ایمان آوردن به مسیح در صلح با خدا قرار می‌گیرد و از طریق روح مقدس از قدرت گناه و مرگ آزاد می‌گردد. بالاخره پولس دربارهٔ چگونه‌گی زندگی مسیحی خصوصاً دربارهٔ محبت به دیگران که آن را به مثابهٔ خدمت به خدا می‌داند، می‌نویسد.

در اخیر پولس رسول به توضیح روابط اجتماعی مسیحیان می‌پردازد و به وظیفهٔ مسیحیان در برابر حکومت و با یکدیگر تأکید می‌کند. پس از آن با فرستادن چند پیام شخصی، نامه‌اش را به پایان می‌رساند.

## فهرست موضوعات

پیشگفتار: فصل ۱:۱ - ۱۷

ضرورت نجات و رستگاری: فصل ۱۸:۱ - ۲۰:۳

راه خدا برای نجات: فصل ۲۱:۳ - ۲۵:۴

زندگی نو در مسیح: فصل ۵ - ۸

جایگاه قوم یهود در نقشهٔ خدا: فصل ۹ - ۱۱

رفتار مسیحی: فصل ۱:۱۲ - ۱۳:۱۵

سلامهای شخصی و سخنان پایانی: فصل ۱۴:۱۵ - ۲۷:۱۶

۱ این نامه از طرف پولس می‌باشد. او غلام عیسای مسیح است که از سوی خدا به عنوان رسول برگزیده شده و برای رساندن خبرخوش فراخوانده شده است.

۲ خدا این خبرخوش را مدتها قبل به وسیلهٔ پیامبران خود در نوشته‌های مقدس وعده داده بود.

<sup>۳</sup> این خبر خوش دربارهٔ پسر اوست که از لحاظ جسم از نسل داوود پادشاه متولد شد <sup>۴</sup> و توسط روح مقدس که در او بود و با زنده شدن پس از مرگ، به وسیلهٔ قدرت عظیم خدا آشکار ساخت که پسر خداست. او سرور ما عیسای مسیح است. <sup>۵</sup> ما به وسیلهٔ عیسای مسیح و به خاطر نام او فیض یافتیم و فراخوانده شدیم که رسولان او باشیم تا همهٔ ملتها را رهنمایی کنیم که به او ایمان بیاورند و از او اطاعت کنند. <sup>۶</sup> این همچنین شامل حال شما رومیان می باشد که خدا شما را دعوت کرده است تا متعلق به عیسای مسیح باشید.

<sup>۷</sup> من این نامه را به همهٔ شما محبوبان خدا در شهر روم که به این مقام مقدس فراخوانده شده‌اید، می نویسم. فیض و سلامتی از طرف پدر آسمانی ما خدا و سرور ما عیسای مسیح به شما باد.

## اشتیاق دیدار ایمانداران روم

<sup>۸</sup> پیش از هر چیز، خدای خود را در نام عیسای مسیح برای همهٔ شما شکر می کنم، زیرا ایمان شما در تمام دنیا شهرت یافته است. <sup>۹</sup> خدا شاهد است که همیشه شما را در دعاهایم به یاد می آورم. همان خدایی که او را با اعلام خبر خوش دربارهٔ پسرش از دل و جان خدمت می کنم. <sup>۱۰</sup> من همیشه دعا می کنم که اگر خدا بخواهد به یک طریقی موفق شوم که بالاخره به دیدن شما بیایم. <sup>۱۱</sup> بسیار آرزومندم که شما را بینم تا از برکت روحانی شما را بهره مند ساخته و تقویت نمایم. <sup>۱۲</sup> مقصودم این است که من و شما از ایمان یکدیگر تقویت شویم.

<sup>۱۳</sup> ای ایمانداران، نمی خواهم بی خبر باشید که بارها قصد داشتم نزد شما بیایم اما همیشه چیزی مرا از انجام آن باز داشته است. من می خواهم همان طوری که در میان دیگر ملتها پیروانی برای مسیح یافتم، در میان شما نیز بیایم. <sup>۱۴</sup> من در برابر همه، از مردم متمدن گرفته تا غیر متمدن، از حکیمان گرفته تا جاهلان، وظیفه‌یی به عهده دارم. <sup>۱۵</sup> بنابراین اشتیاق زیاد دارم که خبر خوش مسیح را به شما در شهر روم نیز اعلام نمایم.

## قدرت خبرخوش مسیح

<sup>۱۶</sup> من از خبرخوش عیسی مسیح شرمنده نیستم، زیرا که این مژده، قدرت خدا برای نجات هرکسی است که ایمان بیاورد، اول یهودیان و سپس غیریهودیان. <sup>۱۷</sup> در این خبرخوش عدالت خدا آشکار می‌گردد که از آغاز تا به پایان بر پایه ایمان است. چنان‌که در نوشته پیامبران آمده است: «شخص عادل به وسیله ایمان زندگی می‌کند.»

## گناه بشر عواقب خطرناک دارد

<sup>۱۸</sup> غضب خدا از آسمان بر هرگونه گناه و شرارت کسانی ظاهر می‌گردد که زندگی شرارت‌آمیزشان مانع شناخت حقیقت است. <sup>۱۹</sup> زیرا آنچه آنها می‌توانند درباره خدا بدانند برای شان آشکار است، چون خدا آن را در پیش چشمانشان قرار داده است. <sup>۲۰</sup> خدا از زمان آفرینش دنیا صفات نادیدنی یعنی قدرت ازلی و الهیت خود را به طور کامل نشان داده است. خدا این صفات را به وسیله چیزهایی که آفریده بود، قابل درک و فهم ساخته است تا مردم هیچ عذری نداشته باشند. <sup>۲۱</sup> با وجود آن که آنها خدا را می‌شناختند، ولی او را به عنوان خدا ستایش نکرده و از او شکرگزاری نکردند. در عوض افکارشان کاملاً پوچ گشته و دل‌های بی‌فهم آنها را تاریکی فرا گرفت. <sup>۲۲</sup> در حالی که ادعای دانایی می‌کنند، ولی نشان می‌دهند که نادان هستند. <sup>۲۳</sup> آنها جلال خدای ابدی را به بُتهایی شبیه انسانهای فانی، پرنده‌گان، چهارپایان و خزنده‌گان تبدیل کرده‌اند. <sup>۲۴</sup> از این رو خدا ایشان را با شهوتهای خودشان در ناپاکی رها کرد تا با یکدیگر بدنهای خود را فاسد سازند. <sup>۲۵</sup> آنها حقیقت خدا را به یک دروغ تبدیل نموده و مخلوق خدا را به جای خالق پرستش کردند، خالقی که تا ابد متبارک است! آمین.

<sup>۲۶</sup> به همین دلیل خدا آنها را تسلیم شهوتهای شرم‌آور خودشان کرده است. حتی زنان آنها روابط طبیعی خود را به آنچه غیرطبیعی است، تبدیل کرده‌اند. <sup>۲۷</sup> همین‌گونه مردان روابط طبیعی جنسی

با زنان را ترک کرده‌اند و در آتش شهوت برای هم‌جنسان خود می‌سوزند. مردان مرتکب اعمال زشت و ننگین با مردان دیگر شدند و در وجود خودشان جزایی را که سزاوار چنین خطاکاری است، دیدند.

<sup>۲۸</sup> چون آنها شناخت خدا را ناچیز شمردند، خدا هم آنها را تسلیم افکار فاسدشان نمود تا اعمال ناشایست را انجام دهند. <sup>۲۹</sup> آنها از انواع بی‌عدالتی، شرارت، خودخواهی و بدی پُر هستند. مملو از حسادت، قتل، نزاع، فریبکاری و بدنیتی می‌باشند. آنها آوازهٔ بد پخش نموده، <sup>۳۰</sup> از یکدیگر بدگویی می‌کنند، از خدا نفرت دارند، ظالم و مغرور بوده و لاف می‌زنند. آنها آفرینندهٔ بدی‌ها بوده و از والدین خود سرپیچی می‌کنند، <sup>۳۱</sup> بی‌فهم، بی‌وفا و بی‌رحم هستند و دلسوزی نمی‌کنند. <sup>۳۲</sup> با وجود این که از حکم عادلانهٔ خدا آگاه هستند که مکافات انجام‌دهنده‌گان چنین کارها مرگ است ولی نه فقط خودشان این کارها را می‌کنند بلکه دیگران را نیز در انجام آن تشویق می‌نمایند.

## خدا بر همه عادلانه قضاوت می‌کند

<sup>۱</sup> <sup>۲</sup> پس تو، ای انسان، کیستی که دربارهٔ دیگران قضاوت می‌کنی؟ هرکسی باشی هیچ عذری نداری زیرا وقتی تو دیگران را قضاوت می‌کنی و در عین حال همان کاری را که آنها انجام می‌دهند تو هم انجام می‌دهی، خودت را محکوم می‌کنی. <sup>۲</sup> ما می‌دانیم که داوری خدا دربارهٔ اشخاصی که چنین کارهایی می‌کنند، برحق است. <sup>۳</sup> اما ای انسانی که بر دیگران قضاوت می‌کنی و خود همان کار را انجام می‌دهی، آیا گمان می‌کنی که از داوری خدا فرار خواهی کرد؟ <sup>۴</sup> آیا عظمت مهربانی، بردباری و صبر خدا را ناچیز می‌شماری؟ مگر نمی‌دانی که خدا با مهربانی خود می‌خواهد تو را به سوی توبه کردن راهنمایی کند؟ <sup>۵</sup> با سخت‌دلی و بی‌میلی خود نسبت به توبه، جزای خود را در روز ظهور غضب خدا و قضاوت عادلانهٔ او پیوسته شدیدتر می‌سازی. <sup>۶</sup> زیرا خدا به هرکس مطابق با کارهایی که کرده است، اجر یا جزا خواهد داد. <sup>۷</sup> کسانی که با بردباری

به نیکویی ادامه می دهند و در جستجوی شرف، عزت و زندگی جاویدان هستند، خدا به آنها زندگی ابدی خواهد داد.<sup>۸</sup> اما کسانی که خودخواه هستند و حقیقت را رد کرده و به دنبال شرارت می روند، آنها مورد خشم و غضب خدا قرار می گیرند.<sup>۹</sup> برای هرکسی که بدی می کند، رنج و عذاب خواهد بود، اول برای یهود و سپس برای غیریهود.<sup>۱۰</sup> اما خدا به کسی که نیکوکاری نماید، شرف، عزت و سلامتی خواهد بخشید، اول به یهود و سپس برای غیریهود،<sup>۱۱</sup> زیرا پیش خدا همه یکسان اند.

<sup>۱۲</sup> همه کسانی که بدون داشتن شریعت موسی گناه می کنند، بدون شریعت نیز هلاک می شوند. همه آنهايي که تحت حکم شریعت هستند و گناه می کنند، به وسیله شریعت محکوم می شوند.<sup>۱۳</sup> زیرا فقط با شنیدن احکام شریعت کسی در حضور خدا عادل شمرده نمی شود، بلکه کسی عادل شمرده می شود که احکام شریعت را بجا می آورد.<sup>۱۴</sup> هرگاه غیریهودیان که دارای شریعت نیستند، احکام شریعت را به طور طبیعی انجام می دهند، معلوم است که آنها برای خودشان یک شریعت هستند، با وجود این که با شریعت نوشته شده آشنایی ندارند.<sup>۱۵</sup> رفتارشان نشان می دهد که احکام شریعت در قلبهای شان نوشته شده است و وجدانهای شان نیز درستی آن را تأیید می کند. زیرا افکارشان یا آنها را ملامت می کند و یا از آنها دفاع می کند.<sup>۱۶</sup> مطابق خبر خوشی که من می دهم، روزی می آید که خدا به وسیله عیسای مسیح افکار پنهانی همه آدمیان را داوری خواهد کرد.

## اطاعت واقعی از شریعت

<sup>۱۷</sup> حال، اگر تو خود را یهودی می دانی و به شریعت پابند هستی و از این که خدا را می شناسی به خود فخر می کنی،<sup>۱۸</sup> و اراده او را می دانی و به سبب این که در شریعت تربیت شده ای، بهترین چیزها را انتخاب می کنی،<sup>۱۹</sup> و خاطر جمع هستی که راهنمای نابینایان و چراغ راه کسانی می باشی که در تاریکی ساکن اند،<sup>۲۰</sup> و استاد نادانان و معلم کودکان هستی و صاحب شریعتی می باشی که معرفت و حقیقت را نمایان می سازد،<sup>۲۱</sup> پس تو که دیگران را تعلیم می دهی، چرا

خود را تعلیم نمی‌دهی؟ تو که موعظه می‌کنی که نباید دزدی کرد، آیا خودت دزدی نمی‌کنی؟  
۲۲ تو که می‌گویی زنا نکن، آیا خودت زنا نمی‌کنی؟ تو که از بُتها نفرت داری، آیا خودت  
معبدهای بُت‌پرستان را غارت نمی‌کنی؟<sup>۲۳</sup> تو که به شریعت فخر می‌کنی، آیا با اطاعت نکردن  
شریعت، نسبت به خدا بی‌حرمتی نمی‌کنی؟<sup>۲۴</sup> چنان‌که در نوشته‌های پیامبران گفته شده است:  
«به‌خاطر شما، مردمان غیریهود نام خدا را بی‌حرمت می‌سازند.»

۲۵ اگر از شریعت اطاعت کنی، ختنه شدن تو ارزش دارد. اما اگر از شریعت سرپیچی نمایی،  
مانند این است که هیچ ختنه نشده‌ای.<sup>۲۶</sup> اگر یک غیریهودی که ختنه نشده است، ولی از احکام  
شریعت اطاعت می‌نماید، آیا خدا او را ختنه‌شده به حساب نخواهد آورد؟<sup>۲۷</sup> کسی که در جسم  
ختنه نشده است ولی احکام شریعت را بصورت کامل انجام می‌دهد، تو را با وجود داشتن  
شریعت و نشانه ختنه به‌خاطر آن که شریعت را می‌شکنی، ملامت خواهد کرد.<sup>۲۸</sup> زیرا یهودی  
واقعی آن کسی نیست که به ظاهر یهودی باشد و ختنه واقعی هم تنها یک عمل جسمی نیست.  
۲۹ بلکه یهودی واقعی آن کسی است که در باطن خود یهودی باشد، یعنی قلبش ختنه شده باشد،  
و این کار روح خداست نه کار شریعت نوشته شده. چنین شخصی از طرف خدا تحسین می‌شود  
نه از طرف انسان.

۳۰ پس یهودیان چه برتری بر غیریهودیان دارند؟ یا ختنه کردن چه ارزشی دارد؟<sup>۲</sup> البته که از  
هر لحاظ ارزش فراوان دارد. اول آن که خدا کلام خود را به یهودیان سپرد.<sup>۳</sup> اما اگر بعضی از  
آنها وفادار نبودند، چه باید گفت؟ آیا بی‌وفایی آنها وفاداری خدا را باطل می‌سازد؟<sup>۴</sup> هرگز نه!  
حتی اگر همه انسانها دروغگو باشند، خدا راستگو است. چنان‌که نوشته شده است:

«کلامی که گفته‌ای راست بوده

و داوری تو عادلانه است.»

<sup>۵</sup> از دیدگاه انسانی چنین گفته می‌شود: «اگر بی‌عدالتی ما عدالت خدا را آشکار می‌سازد، پس آیا می‌توانیم بگوییم که وقتی خدا ما را مجازات می‌کند، بی‌انصافی می‌کند؟» <sup>۶</sup> هرگز نه! اگر خدا عادل نباشد، چگونه می‌تواند دنیا را داوری کند؟

<sup>۷</sup> اما اگر دروغ من در مقابل راستی خدا، جلال او را بیشتر آشکار می‌کند، پس چرا من به عنوان گناهکار محکوم می‌شوم؟ <sup>۸</sup> پس چرا نگوییم «بیا بید بدی کنیم تا از آن خوبی به بار آید؟» عده‌بی به ما تهمت می‌زنند که گویا ما چنین چیزی گفته‌ایم. چنین اشخاص سزاوار محکومیت هستند.

## هیچ‌کس در حضور خدا عادل نیست

<sup>۹</sup> پس چه باید گفت؟ آیا ما یهودیان نسبت به دیگران وضع بهتری داریم؟ نه، به هیچ صورت، زیرا که ما قبلاً اشاره کردیم که یهودیان و غیریهودیان، هر دو اسیر گناه هستند. <sup>۱۰</sup> چنان‌که در نوشته‌های پیامبران آمده است:

«حتی یک نفر هم وجود ندارد که عادل باشد.»

<sup>۱۱</sup> یک نفر وجود ندارد که فهمیده باشد و کسی نیست که خدا را بجوید.

<sup>۱۲</sup> همه گمراه گشته

و با هم فاسد شده‌اند.

کسی نیست که نیکوکار باشد،

حتی یک نفر عادل هم وجود ندارد.



<sup>۱۳</sup> گلوی شان مانند قبر باز است،

زبان شان را برای فریب دادن به کار می‌برند،

و از لبهای شان سخنان گُشنده مانند زهر مار جاری است.

<sup>۱۴</sup> دهان شان پُر از لعنت کردن و سخنان تلخ است،

<sup>۱۵</sup> و پاهای شان برای ریختن خون شتابان است.

<sup>۱۶</sup> به هر جا که می‌روند، ویرانی و بدبختی بجا می‌گذارند،

<sup>۱۷</sup> و راه صلح و سلامتی را نشناخته‌اند.

<sup>۱۸</sup> خدا ترسی به فکرشان نیست.»

<sup>۱۹</sup> اکنون آگاه شده‌ایم که آنچه شریعت موسی می‌گوید، خطاب به کسانی است که تابع حکم شریعت هستند تا هر دهانی بسته شود و تمام دنیا در حضور خدا محکوم شناخته شود. <sup>۲۰</sup> از این رو هیچ انسانی با انجام احکام شریعت در نظر خدا عادل شمرده نمی‌شود. اما شریعت، گناه را به ما می‌شناساند.

## به وسیلهٔ ایمان عادل شمرده می‌شویم

<sup>۲۱</sup> اما اکنون بدون در نظر گرفتن شریعت، عدالت خدا آشکار گردیده است، اگرچه شریعت موسی و پیامبران هم آن را تأیید می‌کنند. <sup>۲۲</sup> این عدالت از راه ایمان به عیسی‌ای مسیح به دست می‌آید. خدا همهٔ آنهایی را عادل می‌شمارد که به مسیح ایمان دارند و در این مورد هیچ تفاوت بین یهودی و غیریهودی نیست، <sup>۲۳</sup> زیرا همه گناه کرده و از جلال خدا دور مانده‌اند. <sup>۲۴</sup> اما با

فیض خدا و نجات به وسیله عیسی مسیح، بخشش رایگان خدا را دریافت می‌دارند تا عادل شمرده شوند.<sup>۲۵</sup> خدا مسیح را به عنوان کفاره گناهان قرار داد، کفاره‌ای که توسط خون مسیح و از راه ایمان به او به دست می‌آید. خدا با این کار عدالت خود را ثابت نمود، زیرا به سبب بردباری خود، گناهان گذشته را نادیده گرفت.<sup>۲۶</sup> خدا عدالتش را همین حالا در زمان ما ثابت کرد تا خودش عادل باشد و هرکسی را که به عیسی مسیح ایمان آورد، عادل بشمارد.

<sup>۲۷</sup> پس به چه می‌توانیم افتخار کنیم؟ به هیچ چیز! بر اساس کدام قانون؟ آیا بر اعمال شریعت می‌توانیم افتخار کنیم؟ نه، بلکه بر اساس قانون ایمان.<sup>۲۸</sup> زیرا ما یقین داریم که به وسیله ایمان، بدون اجرای اعمال شریعت عادل شمرده می‌شویم.<sup>۲۹</sup> آیا خدا، فقط خدای یهودیان است؟ مگر خدای غیریهودیان هم نیست؟ بلی، خدای غیریهودیان نیز می‌باشد.<sup>۳۰</sup> خدا یکتا است و یهودیان را بر اساس ایمان و غیریهودیان را نیز بر اساس همان ایمان، عادل می‌شمارد.<sup>۳۱</sup> پس آیا شریعت موسی را با ایمان باطل می‌سازیم؟ هرگز نه! بلکه آن را استوار می‌سازیم.

## نمونه ایمان ابراهیم

<sup>۱</sup> پس درباره جد ما ابراهیم چه گفته می‌توانیم؟<sup>۲</sup> اگر ابراهیم با کار خود عادل شمرده می‌شد، دلیلی برای فخر داشت اما در حضور خدا او نتوانست به خود فخر کند.<sup>۳</sup> زیرا در تورات آمده است: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و خدا این را برای او عدالت شمرد.»<sup>۴</sup> شخصی که کار می‌کند، مزد می‌گیرد و مزد برای او تحفه به حساب نمی‌آید بلکه حق او است که باید به او پرداخت شود.<sup>۵</sup> اما کسانی که به کارهای خود تکیه نمی‌کنند بلکه به خدایی که حتی شخص گناهکار را عادل می‌گرداند ایمان می‌آورند، ایمان آنها عدالت شمرده می‌شود.<sup>۶</sup> داوود پیامبر درباره خوشی شخصی که خدا بدون در نظر گرفتن اعمالش او را عادل می‌شمارد، چنین می‌گوید:

<sup>۷</sup> «خوشا به حال کسی که خطاهایش آمرزیده،

و گناهانش بخشیده شده است.

<sup>۸</sup> خوشا به حال کسی که خداوند گناه او را به حساب نمی‌آورد.»

<sup>۹</sup> آیا این خوشی تنها متعلق به ختنه‌شده‌گان است یا همچنان برای کسانی که ختنه نشده‌اند؟ چنان‌که نوشته شده است: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و خدا این را برای او عدالت شمرد.»  
<sup>۱۰</sup> در آن زمان ابراهیم در کدام حالت بود؟ آیا پیش از ختنه شدنش بود یا بعد از آن؟ البته پیش از ختنه شدنش.<sup>۱۱</sup> ختنه شدن ابراهیم علامتی بود برای اثبات این که به وسیلهٔ ایمانش، خدا او را پیش از آن که ختنه شود، عادل شمرده بود. از این رو ابراهیم پدر همهٔ کسانی است که به خدا ایمان می‌آورند و عادل شمرده می‌شوند، حتی اگر ختنه نشده باشند.<sup>۱۲</sup> او همچنان پدر کسانی است که ختنه شده‌اند، نه تنها به خاطر این که ختنه شده‌اند بلکه برای این که از ایمانی که پدر ما ابراهیم پیش از ختنه شدن داشت، پیروی می‌کنند.

## وعدۀ خدا به وسیلهٔ ایمان به دست می‌آید

<sup>۱۳</sup> وقتی خدا به ابراهیم و فرزندانش وعده داد که وارث جهان خواهند شد، این وعده برای آن نبود که ابراهیم از شریعت موسی اطاعت می‌کرد بلکه ایمان داشت و این ایمان برای او عدالت شمرده شد،<sup>۱۴</sup> زیرا اگر وعدۀ خدا به کسانی داده شود که از شریعت موسی پیروی می‌کنند، دیگر ایمان آدمی بیهوده و وعدۀ خدا بی‌ارزش است.<sup>۱۵</sup> شریعت، غضب خدا را به وجود می‌آورد اما جایی که قانون نیست، نافرمانی از آن هم وجود ندارد.

<sup>۱۶</sup> پس این وعده به ایمان متکی است، تا بر فیض خدا استوار بوده و برای تمام نسل ابراهیم اعتبار داشته باشد، نه تنها برای آنهایی که از شریعت اطاعت می‌نمایند بلکه برای همه کسانی که از ایمان ابراهیم پیروی می‌کنند، زیرا ابراهیم پدر همهٔ ماست.<sup>۱۷</sup> چنان‌که نوشته شده است: «تو را پدر ملت‌های بسیار ساخته‌ام.» این وعده نزد خدایی که ابراهیم به او ایمان آورد پابرجاست، آن

خدایی که مُرده‌گان را زنده می‌سازد و نیستی‌ها را هستی می‌بخشد.<sup>۱۸</sup> ابراهیم هنگامی ایمان آورد و اعتماد کرد که هیچ امیدی نداشت، از این رو «پدر ملت‌های بسیار» شد. همان‌طور که خدا برایش فرمود: «فرزندان تو هم مانند ستاره‌گان بی‌شمار می‌شوند.»<sup>۱۹</sup> ابراهیم در حالی که می‌دید بدنش در حال از بین رفتن است و حدود صد سال دارد و ساره هم نمی‌توانست صاحب فرزندی شود اما ایمانش ضعیف نشد،<sup>۲۰</sup> و نسبت به وعدهٔ خدا شک نکرد. او در ایمان خود قوی‌تر شده و خدا را حمد می‌گفت.<sup>۲۱</sup> زیرا اطمینان کامل داشت که خدا قادر است مطابق آنچه وعده نموده است، عمل کند.<sup>۲۲</sup> به همین دلیل ابراهیم عادل شمرده شد.<sup>۲۳</sup> این کلمات «عادل شمرده شد» تنها برای ابراهیم نوشته نشده بود،<sup>۲۴</sup> بلکه برای ما هم نوشته شده است که عادل شمرده خواهیم شد، زیرا به خدایی ایمان داریم که سرور ما عیسای مسیح را پس از مرگ زنده ساخت.<sup>۲۵</sup> او به سبب گناهان ما تسلیم مرگ گردید و به خاطر عادل شمرده شدن ما دوباره زنده شد.

## آشتی نمودن با خدا از طریق ایمان به مسیح

**۵** چون از راه ایمان عادل شمرده شده‌ایم، به واسطهٔ سرور ما عیسای مسیح، از صلح با خدا برخوردار می‌گردیم.<sup>۲</sup> ما به وسیلهٔ ایمان به مسیح وارد فیض خدا شده‌ایم، فیضی که در آن پایداریم و به امید سهیم شدن در جلال خدا خوشی می‌کنیم.<sup>۳</sup> نه تنها این بلکه در سختی‌ها هم فخر می‌کنیم، زیرا می‌دانیم که رنج و سختی، بردباری را به وجود می‌آورد،<sup>۴</sup> و بردباری، شخصیت خوب را به وجود می‌آورد، و شخصیت خوب امید را می‌آفریند.<sup>۵</sup> این امید هیچگاه ما را مأیوس نمی‌سازد، زیرا محبت خدا به وسیلهٔ روح مقدس که به ما عطا شده، قلبهای ما را فرا گرفته است.

**۶** هنگامی که ما هنوز ناتوان بودیم، درست در همان زمان عیسای مسیح برای گناهکاران جان خود را فدا کرد.<sup>۷</sup> آسان نیست کسی را یافت که حاضر باشد برای یک شخص نیک از جان

خود بگذرد، اگرچه ممکن است گاهی کسی به خاطر یک شخص نیک جرأت قبول مرگ را داشته باشد.<sup>۸</sup> اما خدا ثابت کرد که چقدر ما را دوست دارد، زیرا در آن هنگام که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح به خاطر ما جان خود را فدا کرد.<sup>۹</sup> ما که با خون او عادل شمرده شدیم، چقدر بیشتر به وسیله خود او از غضب خدا نجات خواهیم یافت.<sup>۱۰</sup> چون هنگامی که با خدا دشمن بودیم، به واسطه مرگ پسرش با او آشتی داده شدیم. پس حالا که دوست او هستیم چقدر بیشتر به واسطه زندگی مسیح نجات خواهیم یافت!<sup>۱۱</sup> نه فقط این بلکه در خدا خوشی می‌کنیم که به وسیله سرور ما عیسیای مسیح با ما آشتی نمود.

## مرگ به وسیله آدم، زندگی ابدی به وسیله مسیح

<sup>۱۲</sup> گناه به وسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه، مرگ را آورد. در نتیجه، چون همه گناه کرده‌اند، مرگ همه را در بر گرفت.<sup>۱۳</sup> پیش از شریعت موسی، گناه در جهان وجود داشت. اما اگر قانون وجود نداشته باشد، کسی گناهکار شمرده نمی‌شود.<sup>۱۴</sup> با آن هم، مرگ از زمان آدم تا موسی بر همه حاکم بود، حتی بر آنهایی که گناه‌شان مانند گناه آدم نبود. آدم نمونه آن کسی است که قرار بود بیاید.<sup>۱۵</sup> اما نافرمانی آدم و بخشش خدا قابل مقایسه نیست. اگر به خاطر نافرمانی آدم افراد زیادی مُردند، پس چقدر بیشتر فیض خدا از برکت آدم دیگر یعنی عیسیای مسیح شامل حال افراد بسیاری گردید.<sup>۱۶</sup> همچنین نمی‌توان آن بخشش خدا را با نتایج گناه یک نفر یعنی آدم مقایسه کرد، زیرا در نتیجه آن گناه، انسان محکوم شناخته شد، حال آن که بخشش رایگان خدا پس از آن همه گناهان، موجب عادل شمرده‌گی انسان گردید.<sup>۱۷</sup> اگر به سبب نافرمانی یک نفر مرگ بر سرنوشت بشر حاکم شد، پس کار آن آدم دیگر یعنی عیسیای مسیح چقدر بزرگتر است. همه کسانی که فیض فراوان خدا و بخشش رایگان عدالت او را دریافت کرده‌اند، حیات به وسیله مسیح در سرنوشت آنها حاکم خواهد بود.

<sup>۱۸</sup> پس همان‌گونه که یک گناه باعث محکومیت همه انسانها شد، یک عمل نیک نیز باعث زندگی و عادل شمرده شدن همه انسانها گردید.<sup>۱۹</sup> چنان‌که بسیاری در نتیجه سرپیچی یک نفر،

گناهکار گشتند، به همان‌گونه بسیاری هم در نتیجه اطاعت یک نفر عادل شمرده خواهند شد.

<sup>۲۰</sup> شریعت موسی برای آن به میان آمد که نافرمانی را افزایش دهد اما جایی که گناه بیشتر گردید، فیض خدا به مراتب افزایش یافت. <sup>۲۱</sup> پس همان‌طور که گناه به وسیله مرگ فرمانروایی کرد، همین‌گونه فیض خدا نیز باید به وسیله عدالت فرمانروایی نماید و ما را از طریق خداوند ما عیسی‌ای مسیح به زندگی ابدی هدایت کند.

## نسبت به گناه مُرده‌ایم، اما با مسیح زندگی می‌کنیم

**۶** <sup>۱</sup> پس چه بگوییم؟ آیا باید به زندگی در گناه ادامه دهیم تا فیض خدا زیاد شود؟ <sup>۲</sup> هرگز نه! ما که نسبت به گناه مُرده‌ایم، چگونه می‌توانیم به زندگی در آن ادامه دهیم؟ <sup>۳</sup> آیا نمی‌دانید که وقتی ما در عیسی‌ای مسیح تعمید گرفتیم، در مرگ او شریک شدیم؟ <sup>۴</sup> پس با تعمید خود با او دفن شدیم و در مرگش شریک گشتیم تا همان‌گونه که مسیح به وسیله جلال خدای پدر پس از مرگ زنده شد، ما نیز در زندگی جدید قدم برداریم. <sup>۵</sup> زیرا اگر ما در اتحاد با مسیح مانند او مُردیم، به همان طریق در رستاخیز مسیح نیز با او متحد خواهیم بود. <sup>۶</sup> این را می‌دانیم که آن انسانی که در گذشته بودیم با مسیح بر روی صلیب گشته شد تا نفس گناهکار نابود گردد و دیگر برده‌گان گناه نباشیم، <sup>۷</sup> زیرا آن کسی که مُرد، از تسلط گناه آزاد شده است. <sup>۸</sup> همان‌طور که با مسیح مُردیم، ایمان داریم که همچنان با او خواهیم زیست. <sup>۹</sup> زیرا می‌دانیم چون مسیح پس از مرگ زنده شده است، او دیگر نخواهد مُرد یعنی مرگ دیگر بر او تسلط ندارد. <sup>۱۰</sup> مسیح با مرگ خود، یک بار و برای همیشه نسبت به گناه بشر مُرد اما او زنده شد و حال برای خدا زندگی می‌کند. <sup>۱۱</sup> همین‌طور شما نیز خود را نسبت به گناه مُرده بشمارید اما نسبت به خدا در اتحاد با عیسی‌ای مسیح، خود را زنده بدانید.

<sup>۱۲</sup> دیگر نباید گناه بر بدن فانی شما حاکم باشد و شما را تابع هوسهای خود سازد. <sup>۱۳</sup> اعضای بدن خود را در اختیار گناه قرار ندهید تا برای مقاصد شریرانه به کار روند، بلکه خود را مانند

کسانی که از مرگ زنده شده‌اند، تسلیم خدا کنید و اعضای بدن خود را در اختیار او قرار دهید تا برای مقاصد عدالت به کار روند.<sup>۱۴</sup> گناه نباید بر وجود شما حاکم باشد چونکه شما تابع حکم شریعت نیستید بلکه زیر فیض خدا می‌باشید.

## نتیجه آزاد شدن از غلامی گناه

<sup>۱۵</sup> پس چه بگوییم؟ چون تابع حکم شریعت نیستیم بلکه زیر فیض خدا می‌باشیم، آیا اجازه داریم گناه کنیم؟ هرگز نه!<sup>۱۶</sup> مگر نمی‌دانید که هرگاه شما خود را به عنوان غلام در اختیار کسی بگذارید، شما در واقع غلام آن کس هستید که از او اطاعت می‌کنید؟ خواه غلامی از گناه باشد که نتیجه آن مرگ است و خواه اطاعت از خدا که نتیجه آن عدالت می‌باشد.<sup>۱۷</sup> خدا را شکر که اگرچه قبلاً غلامان گناه بودید، ولی اکنون با تمام دل از معیار تعلیمی که به شما داده شده است، اطاعت می‌کنید.<sup>۱۸</sup> پس شما با آزاد شدن از گناه، غلامان عدالت گشته‌اید.<sup>۱۹</sup> من به خاطر ضعف طبیعی انسانی‌تان، به طور ساده سخن می‌گویم: همان‌طور که قبلاً تمام اعضای بدن خود را برای انجام گناه، در خدمت اهداف ناپاک و شرارت‌آمیز سپرده بودید، اکنون تمام اعضای بدن خود را برای اهداف مقدس در خدمت عدالت بسپارید.

<sup>۲۰</sup> وقتی شما غلامان گناه بودید، مجبور نبودید از عدالت اطاعت کنید.<sup>۲۱</sup> از انجام آن اعمالی که اکنون از آنها شرم دارید چه سودی بُردید؟ عاقبت انجام دادن آن اعمال، مرگ است.<sup>۲۲</sup> اما اکنون از گناه آزاد گشته و غلامان خدا شده‌اید. در نتیجه زندگی شما در این دنیا به سوی قدوسیت می‌رود و به زندگی ابدی می‌انجامد.<sup>۲۳</sup> زیرا مزد گناه مرگ است اما نعمت رایگان خدا در پیوسته‌گی با سرور ما عیسی‌مسیح، زندگی جاویدان است.

## رابطه ما با شریعت

**۷** ای ایمانداران! شما که از شریعت اطلاع دارید، آیا نمی‌دانید که شریعت تنها تا زمانی بر

انسان حکمرانی می‌کند که انسان زنده است؟<sup>۲</sup> چنان‌که یک زن شوهردار تا زمانی که شوهرش زنده است، مطابق شریعت به او تعلق دارد. اما اگر شوهر او بمیرد، دیگر آن زن از این حکم شریعت نسبت به شوهر خود آزاد است.<sup>۳</sup> چنانچه اگر آن زن تا زمانی که شوهرش زنده است، با مرد دیگری ازدواج کند، زناکار خوانده می‌شود. اما اگر شوهرش بمیرد، دیگر این حکم شریعت شامل حال او نیست و چنانچه با مرد دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا نمی‌شود.<sup>۴</sup> ای ایمانداران! شما همین‌گونه با بدن مسیح نسبت به شریعت مُردید و اکنون به مسیح که پس از مرگ زنده شد تعلق دارید تا در نتیجه همه ما برای خدا ثمر بیاوریم.<sup>۵</sup> زیرا هنگامی که ما گرفتار طبیعت نفسانی بودیم، اشتیاق به گناه کردن که به وسیله شریعت تحریک شده بود، در وجود ما کار می‌کرد و سبب مرگ می‌شد.<sup>۶</sup> اما اکنون از قید شریعت آزاد شده‌ایم و نسبت به آن چیزی که ما را در برده‌گی نگه می‌داشت مُرده‌ایم. در نتیجه به وسیله روح مقدس به شکل تازه‌یی خدا را خدمت می‌کنیم، نه مانند گذشته که به وسیله قوانین نوشته شده او را خدمت می‌کردیم.

## مخالفت طبیعت نفسانی با روح مقدس

<sup>۷</sup> پس چه بگوییم؟ آیا شریعت مرتکب گناه است؟ هرگز نه! اگر شریعت نمی‌بود، من گناه را نمی‌شناختم. اگر شریعت نگفته بود: «به مال دیگران طمع مکن»، من هرگز نمی‌دانستم که طمع کردن چیست.<sup>۸</sup> گناه با استفاده از حکم شریعت، هر نوع طمع‌کاری را در زندگی من به وجود آورد. زیرا گناه بدون شریعت مانند جسد بیجان است.<sup>۹-۱۰</sup> من بدون شریعت زنده می‌بودم اما همین‌که حکم شریعت آمد، گناه زنده شد و من مُردم. به این وسیله من دریافتم همان حکمی که باید زندگی را به وجود می‌آورد، مرگ را به بار آورد.<sup>۱۱</sup> چون گناه با استفاده از حکم شریعت مرا فریب داد و کُشت.

<sup>۱۲</sup> بنابراین شریعت موسی و تمام احکام آن به خودی خود مقدس، عادلانه و نیکوست.<sup>۱۳</sup> اما آیا یک چیز نیکو موجب مرگ من شد؟ هرگز نه! بلکه گناه این کار را کرد تا ذات واقعی آن آشکار شود. گناه با استفاده از یک چیز نیکو، موجب مرگ من شد و به وسیله این حکم شریعت، گناه



به اوج خود رسید.

<sup>۱۴</sup> ما می دانیم که شریعت از روح خداست اما من نفسانی ام و مانند یک برده به گناه فروخته شده‌ام. <sup>۱۵</sup> من نمی دانم که چه می کنم زیرا آنچه می خواهم نمی کنم اما از آن چیزی که نفرت دارم، آن را انجام می دهم. <sup>۱۶</sup> وقتی کاری می کنم که نمی خواهم بکنم، این خود نشان می دهد که درستی شریعت را تأیید می کنم. <sup>۱۷</sup> پس دیگر من نیستم که آن عمل را انجام می دهم، بلکه گناهی است که در من ساکن است و این عمل را انجام می دهد. <sup>۱۸</sup> می دانم که در طبیعت نفسانی من هیچ نیکویی نیست، با آن که خواست نیکی کردن را دارم، ولی توان انجام آن را ندارم. <sup>۱۹</sup> چون کار نیکی را که می خواهم، انجام نمی دهم اما کار بدی را که نمی خواهم، انجام می دهم. <sup>۲۰</sup> اگر کاری را که نمی خواهم، انجام می دهم، دیگر انجام دهنده آن کار من نیستم بلکه گناه است که در من ساکن است.

<sup>۲۱</sup> پس به این قاعده عمومی پی می برم که وقتی می خواهم کاری نیکو انجام دهم، فقط شرارت از من سر می زند. <sup>۲۲</sup> با آن که در باطن خود از شریعت خدا لذت می برم، <sup>۲۳</sup> ولی می بینم قاعده دیگری بر اعضای بدن من حاکم است که با قاعده حاکم بر ذهن من مخالف می باشد و مرا اسیر قاعده گناه می سازد که در اعضای بدن من وجود دارد. <sup>۲۴</sup> من چه آدم بدبختی هستم! این بدن، مرا به سوی مرگ می کشاند. کیست که مرا از دست آن رهایی بخشد؟ <sup>۲۵</sup> خدا را به وسیله سرور ما عیسیای مسیح شکر می کنم که مرا نجات داده است! خلاصه در حالی که با ذهن خود شریعت خدا را بنده گی می کنم، طبیعت نفسانی من اسیر قانون گناه است.

## زندگی پیروزمندانه به وسیله روح خدا

<sup>۱</sup> پس اکنون برای کسانی که در اتحاد با عیسیای مسیح هستند، هیچ محکومیتی وجود ندارد. <sup>۲</sup> زیرا قاعده حیات بخش روح مقدس که در اتحاد با عیسیای مسیح یافت می شود، مرا از قاعده گناه و مرگ آزاد کرده است. <sup>۳</sup> آنچه را که شریعت موسی به علت ضعف طبیعت نفسانی نتوانست

انجام دهد، خدا انجام داد. او پسر خود را به شباهت انسان گناهکار برای آمرزش گناهان فرستاد تا به این وسیله در بدن انسانی، گناه را محکوم کند.<sup>۴</sup> خدا چنین کرد تا عدالت شریعت در ما کامل گردد، زیرا ما تابع روح خدا می‌باشیم و از طبیعت نفسانی پیروی نمی‌کنیم.<sup>۵</sup> کسانی که مطابق خواهشهای نفسانی زندگی می‌کنند، همیشه در فکر چیزهای نفسانی هستند. ولی کسانی که تابع روح خدا هستند، در فکر چیزهای روحانی می‌باشند.<sup>۶</sup> عاقبت دلبسته‌گی به خواهشهای نفسانی، مرگ است اما عاقبت دلبسته‌گی به روح خدا، زندگی و سلامتی.<sup>۷</sup> زیرا دلبسته‌گی به خواهشهای نفسانی، دشمنی با خداست. چنین شخصی از شریعت خدا اطاعت نمی‌کند و در واقع هم نمی‌تواند اطاعت نماید.<sup>۸</sup> بنابراین انسانهای نفسانی نمی‌توانند خدا را خوشنود سازند.

<sup>۹</sup> شما تحت حاکمیت خواهشهای نفسانی نه بلکه تحت حاکمیت روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. اگر کسی روح مسیح را با خود نداشته باشد، او از آن مسیح نیست.<sup>۱۰</sup> اما اگر مسیح در وجود شما ساکن است، با آن که بدنهای تان به علت گناه می‌میرد، اما چون عادل شمرده شده‌اید، روح خدا به شما زندگی می‌بخشد.<sup>۱۱</sup> اگر روح خدا که مسیح را پس از مرگ زنده کرد، در وجود شما ساکن باشد، همان‌طور که عیسی را پس از مرگ زنده گردانید، به جسم فانی شما هم زندگی خواهد بخشید، زیرا آن روح خدا در شما ساکن است.

<sup>۱۲</sup> پس ای ایمانداران! وظیفه ما اینست که مطابق طبیعت نفسانی خود زندگی نکرده و از خواهشهای آن پیروی نکنیم.<sup>۱۳</sup> اگر مطابق خواهشهای نفسانی خود زندگی کنید، خواهید مُرد. اما اگر به وسیله روح خدا، اعمال نفسانی را نابود سازید، شما زنده خواهید ماند.<sup>۱۴</sup> آنهایی که به وسیله روح خدا هدایت می‌شوند، فرزندان خدا هستند.<sup>۱۵</sup> چون آن روحی که خدا به شما داده است، شما را برده نمی‌سازد تا دوباره در ترس زندگی کنید، بلکه آن روح شما را فرزندان خدا می‌گرداند و ما به کمک این روح در پیشگاه خدا فریاد می‌کنیم: «آبا، ای پدر.»<sup>۱۶</sup> روح خدا خودش بر روح ما گواهی می‌دهد که ما فرزندان خدا هستیم.<sup>۱۷</sup> اگر فرزندان هستیم، پس وارث هم می‌باشیم یعنی در برکت‌های خدا همراه با مسیح سهیم می‌گردیم. زیرا اگر در رنج مسیح شریک هستیم، در جلال او نیز شریک می‌شویم.

<sup>۱۸</sup> به عقیده من درد و رنج کنونی ما با جلالی که در آینده برای ما ظاهر می شود، قابل مقایسه نیست. <sup>۱۹</sup> خلقت با اشتیاق فراوان در انتظار ظهور فرزندان خدا به سر می برد. <sup>۲۰</sup> زیرا خلقت دچار بیهوده گی شد، البته نه به اراده خود بلکه به خواست خدایی که آن را چنین ساخت، تا این امید باقی بماند <sup>۲۱</sup> که روزی خود خلقت از برده گی فساد آزاد گردد و در آزادی پُر شکوه فرزندان خدا سهیم شود. <sup>۲۲</sup> ما می دانیم که تمام خلقت با هم تا زمان حاضر از دردی مانند درد زایمان ناله می کند. <sup>۲۳</sup> نه تنها خلقت بلکه ما نیز که روح مقدس را به عنوان اولین نمونه عطایای خدا دریافت کرده ایم، در درون خود ناله می کنیم و با اشتیاق در انتظار آن هستیم که خدا ما را به فرزندی پذیرفته، بدن ما را از مرگ و فساد آزاد سازد. <sup>۲۴</sup> زیرا با چنین امیدی بود که ما نجات یافتیم. اما امیدی که برآورده شده باشد دیگر امید نیست. آیا امکان دارد کسی در انتظار چیزی باشد که آن را از پیش یافته است؟ <sup>۲۵</sup> اما اگر در امید چیزی هستیم که هنوز ندیده ایم، با بردباری منتظر آن می باشیم.

<sup>۲۶</sup> به همین طریق روح مقدس در ناتوانی ها، ما را کمک می کند، زیرا ما نمی دانیم چگونه باید دعا کنیم. اما خود روح مقدس با ناله هایی که نمی توان بیان کرد، برای ما شفاعت می کند <sup>۲۷</sup> و خدا که قلبهای ما را جستجو می کند، از نیت روح مقدس آگاه است، چون روح مقدس مطابق خواست خدا برای ایمانداران شفاعت می کند.

<sup>۲۸</sup> ما می دانیم برای آنهایی که خدا را دوست دارند و مطابق اراده او فراخوانده شده اند، همه چیزها با هم برای خیریت شان در کار است. <sup>۲۹</sup> زیرا خدا آنها را از ابتدا می شناخت و پیش از پیش برگزید تا به شکل پسرش شوند و به این ترتیب پسر، نخستین برادر در میان برادران و خواهران زیاد باشد. <sup>۳۰</sup> خدا کسانی را که از قبل برگزیده بود، به سوی خود فراخواند. کسانی را که فراخواند، همچنین عادل شمرد. آنهایی را که عادل شمرد، همچنین جلال بخشید.

## محبت خدا در عیسی مسیح

<sup>۳۱</sup> پس در برابر این چیزها چه بگوییم؟ اگر خدا با ماست، چه کسی می تواند بر ضد ما باشد؟  
<sup>۳۲</sup> خدایی که حتی پسر خود را از ما دریغ نداشت بلکه او را در راه همه ما تسلیم کرد، آیا همراه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟<sup>۳۳</sup> چه کسی می تواند که برگزیده گان خدا را ملامت کند؟ خداست که ما را عادل می شمارد!<sup>۳۴</sup> پس کیست که بتواند آنها را محکوم سازد؟ هیچ کس!  
عیسای مسیح همان کسی است که مُرد و مهمتر این که دوباره زنده شد و اکنون در دست راست خداست. اوست که برای ما شفاعت می کند!<sup>۳۵</sup> پس چه کسی می تواند ما را از محبت عیسای مسیح جدا سازد؟ آیا رنج و عذاب یا پریشانی یا زجر یا گرسنه گی یا نداشتن لباس کافی یا خطر و یا شمشیر قادر است ما را از محبت مسیح جدا سازد؟<sup>۳۶</sup> چنان که نوشته شده است:

«به خاطر تو تمام روز در خطر مرگ هستیم»

و با ما مانند گوسفندهایی که به گُشتارگاه می روند، رفتار می شود.»

<sup>۳۷</sup> با وجود همه این چیزها، به وسیله عیسای مسیح که ما را دوست داشت، پیروزی ما کامل می شود.<sup>۳۸</sup> زیرا یقین دارم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشته گان و نه نیروهای شیطانی، نه پیشامدهای حال و نه وقایع آینده، نه هیچ قدرتی،<sup>۳۹</sup> نه بلندی و نه پستی و خلاصه هیچ چیز در تمام آفرینش، نمی تواند ما را از محبتی که خدا در سرور ما عیسای مسیح آشکار نموده است، جدا سازد.

## قوم برگزیده خدا

**۹** آنچه می گویم حقیقت است. من به مسیح تعلق دارم و وجدان من از روح مقدس فرمانبرداری می کند و شاهد است که دروغ نمی گویم<sup>۲</sup> که در دل خود غم سنگین و دلتنگی

بی پایان دارم.<sup>۳</sup> آرزو می‌کردم که اگر لازم باشد، به خاطر نجات برادران خود یعنی قوم یهود که خویشاوندان من هستند، حتی لعنت خدا را برگردن بگیرم و از مسیح محروم شوم.<sup>۴</sup> آنها اسرائیلی هستند و مقام فرزندخوانده‌گی، جلال خدا، پیمانها، شریعت، مراسم عبادت و وعده‌های خدا به آنها داده شده است.<sup>۵</sup> اجداد ما یعنی ابراهیم، اسحاق و یعقوب نیز به ایشان تعلق دارند و مسیح از نظر انسانی از نسل آنهاست. او را که خدا و مافوق همه است تا به ابد حمد و سپاس باد! آمین.

<sup>۶</sup> چنین نیست که کلام خدا به هدف خود نرسیده باشد زیرا همه کسانی که از قوم اسرائیل اند، اسرائیلی حقیقی نیستند<sup>۷</sup> و همین‌گونه همه آنهايي که از نسل ابراهیم اند، فرزندان خدا شمرده نمی‌شوند، زیرا خدا به ابراهیم فرمود: «نسل تو از اسحاق خوانده خواهد شد.»<sup>۸</sup> همه فرزندان که از لحاظ جسمی از نسل ابراهیم زاده شده‌اند، فرزندان خدا شمرده نمی‌شوند بلکه تنها فرزندان که مطابق وعده خدا به دنیا می‌آیند، از نسل ابراهیم شمرده می‌شوند.<sup>۹</sup> وعده خدا چنین بود: «در وقت معین من برمی‌گردم و ساره صاحب پسری خواهد بود.»

<sup>۱۰</sup> نه تنها این، بلکه فرزندان ریکا نیز از یک پدر، یعنی از جد ما اسحاق بودند.<sup>۱۱-۱۲</sup> پیش از تولد کودکان دوگانه‌گی و قبل از این که آن دو کودک عمل نیک یا بد انجام داده باشند، به ریکا فرموده شد: «برادر بزرگ خدمتگار برادر کوچک خواهد بود.» تا این که اراده خدا در انتخاب یکی از این دو نفر ثابت شود و این انتخاب مشروط به دعوت خدا باشد، نه به عمل انسان.<sup>۱۳</sup> چنان‌که نوشته شده است: «یعقوب را دوست داشتم اما از عیسو نفرت کردم.»

<sup>۱۴</sup> پس چه بگوییم؟ بگوییم که خدا بی‌انصاف است؟ هرگز نه!<sup>۱۵</sup> زیرا خدا به موسی می‌فرماید: «به هرکسی بخواهم رحم کنم، رحم خواهم کرد و به هرکسی بخواهم دلسوزی نمایم، دلسوزی خواهم نمود.»<sup>۱۶</sup> پس این به خواسته‌ها و کوششهای انسان بسته‌گی ندارد بلکه وابسته به خدایی است که رحمت می‌نماید.<sup>۱۷</sup> در تورات نوشته شده است که خدا به فرعون می‌فرماید: «به همین منظور تو را برانگیختم تا به وسیله تو قدرت خود را نشان دهم و بزرگی نام من در سراسر جهان

پخش گردد.»<sup>۱۸</sup> بنابراین خدا به هرکسی بخواهد، رحمت می‌نماید و هرکسی را بخواهد سنگدل می‌سازد.

## خشم و رحمت خدا

<sup>۱۹</sup> شاید یکی از شما به من بگوید: «پس چرا خدا ما را ملامت می‌کند؟ زیرا کیست که بتواند در برابر اراده‌ی او ایستاده‌گی کند؟»<sup>۲۰</sup> اما ای انسان، تو کیستی که با خدا مخالفت می‌کنی؟ آیا کوزه از کوزه‌گر می‌پرسد: «چرا مرا به این شکل ساختی؟»<sup>۲۱</sup> مگر کوزه‌گر حق ندارد که از یک مشت گل، یک ظرف برای روزهای مخصوص و ظرف دیگر برای مصرف روزمره بسازد؟

<sup>۲۲</sup> اگرچه خدا می‌خواهد که غضب و قدرت خود را نشان دهد، با آن هم آنهایی را که مورد غضب او قرار گرفته و سزاوار هلاکت می‌باشند، با صبر زیاد تحمل می‌کند.<sup>۲۳</sup> به این وسیله خدا می‌خواهد عظمت جلال خود را به کسانی که مورد رحمت او هستند و از قبل آنها را برای جلال آماده کرده بود، آشکار سازد.<sup>۲۴</sup> حتی به ما، یعنی کسانی را که خدا نه تنها از میان قوم یهود بلکه از میان ملت‌های غیریهود نیز فراخوانده است.<sup>۲۵</sup> چنان‌که خدا در کتاب هوشع نبی می‌فرماید:

«مردمانی را که متعلق به من نبودند،

قوم برگزیده‌ی خود خواهم نامید،

و ملتی را که محبوب من نبود،

محبوب خود خواهم خواند.»

<sup>۲۶</sup> «و درست در همان جایی که به ایشان فرموده شد: «شما قوم برگزیده‌ی من نیستید،»

همانجا آنها «فرزندان خدای زنده» خوانده خواهند شد.»

<sup>۲۷</sup> و اشعیای نبی نیز دربارهٔ اسرائیل چنین می‌گوید:

«هر چند قوم اسرائیل به اندازهٔ ریگهای ساحل بحر بی‌شمار باشند،

تنها عدهٔ کمی از ایشان نجات خواهند یافت.

<sup>۲۸</sup> چون خداوند با سرعت،

تمام عالم را مورد قضاوت خود قرار خواهد داد.»

<sup>۲۹</sup> و چنان‌که اشعیای نبی پیشگویی کرده بود:

«اگر خداوند متعال عده‌یی از ما را زنده نمی‌گذاشت،

مانند شهر سدوم و عموره از بین می‌رفتیم.»

## بی‌ایمانی قوم اسرائیل

<sup>۳۰</sup> پس چه بگوییم؟ غیریهودیان که برای به‌دست آوردن عدالت کوشش نکردند، از راه ایمان آن

را به‌دست آوردند،<sup>۳۱</sup> اما قوم اسرائیل شریعتی را پیروی می‌کردند تا به وسیلهٔ آن عادل شمرده

شوند، مگر آن را به‌دست نیاوردند.<sup>۳۲</sup> چرا؟ زیرا که تلاشهایشان از روی ایمان نبود بلکه بر

اعمال خود توکل داشتند. به این ترتیب آنها از همان سنگی لغزش خوردند،<sup>۳۳</sup> که نوشته‌های

پیامبران به آن اشاره می‌کند:

«اینک در صهیون سنگی می‌گذارم،

که موجب لغزش خواهد شد،

صخره‌یی که از روی آن خواهند افتاد،

ولی هرکس به او ایمان آورد، شرمسار نخواهد شد.»

۱۰ ای ایمانداران! آرزوی قلبی و دعای من به درگاه خدا برای قوم اسرائیل این است که آنها نجات یابند.<sup>۲</sup> من به شما گواهی می‌دهم که آنها برای خدا بسیار غیرت دارند اما غیرت‌شان از روی معرفت نیست.<sup>۳</sup> آنها عدالت خدا را نشناختند و کوشیدند راه خودشان را برای به‌دست آوردن عدالت درست جلوه دهند و به این‌گونه تسلیم عدالت خدا نشدند،<sup>۴</sup> زیرا مسیح هدف و تکمیل‌کننده شریعت موسی است تا هرکسی به او ایمان آورد، در حضور خدا عادل شمرده شود.

## پیام نجات برای همه

۵ موسی در مورد عدالتی که از شریعت به‌دست می‌آید، می‌نویسد: «هرکس شریعت را عملی کند به وسیله آن زندگی خواهد کرد.»<sup>۶</sup> اما درباره عدالتی که از راه ایمان به‌دست می‌آید، موسی می‌گوید: «در دل خود نگویید کیست که به آسمان بالا رود؟» یعنی تا مسیح را پایین آورد،<sup>۷</sup> یا: «کیست که به چاه بی‌انتهای فرو رود؟» یعنی تا مسیح را باز از میان مرده‌گان بیرون آورد.<sup>۸</sup> او می‌گوید: «کلام خدا، یعنی همان کلام ایمان که ما اعلام می‌کنیم، نزدیک تو بوده و آن کلام در دهان و قلب توست.»<sup>۹</sup> اگر با زبان خود اقرار کنی که عیسی خداوند است و در دل خود ایمان آوری که خدا، عیسی را پس از مرگ زنده ساخت، نجات می‌یابی.<sup>۱۰</sup> زیرا انسان در دل ایمان می‌آورد و عادل شمرده می‌شود، و به زبان خود اقرار می‌کند و نجات می‌یابد.<sup>۱۱</sup> در نوشته‌های پیامبران آمده است: «هرکسی به او ایمان آورد، هرگز شرمسار نخواهد شد.»<sup>۱۲</sup> پس هیچ تفاوتی میان یهودی و غیریهودی نیست زیرا همان خداوند، خداوند همه است و نسبت به همه کسانی که به او روی می‌آورند، بی‌اندازه بخشنده است.<sup>۱۳</sup> زیرا چنان‌که نوشته شده است: «هرکس که به نام خداوند دعا کند و از او کمک بخواهد، نجات می‌یابد.»



<sup>۱۴</sup> اما اگر به خداوند ایمان نیاورده‌اند، چگونه می‌توانند به نام او دعا کنند و از او کمک بخواهند؟ و چگونه می‌توانند ایمان آورند اگر پیام را نشنیده باشند؟ و چگونه می‌توانند پیام را بشنوند اگر آن پیام برای‌شان اعلام نشده باشد؟ <sup>۱۵</sup> و آنها چگونه می‌توانند پیام را اعلام کنند اگر برای این خدمت فرستاده نشده باشند؟ چنان‌که در نوشته‌های پیامبران گفته شده است: «چه خوش است قدمهای کسانی که خبرخوش را می‌رسانند.» <sup>۱۶</sup> اما همه، آن خبرخوش را نپذیرفتند، زیرا خود اشعیای نبی در این مورد می‌گوید: «ای خداوند! چه کسی پیام ما را باور کرده است؟» <sup>۱۷</sup> پس ایمان از شنیدن پیام سرچشمه می‌گیرد و شنیدن پیام از طریق کلام مسیح پدید می‌آید.

<sup>۱۸</sup> اما می‌پرسم: آیا ممکن است که قوم اسرائیل نشنیده باشند؟ البته که شنیده‌اند،

زیرا «صدای بشارت دهنده‌گان در سراسر جهان پخش گردیده

و پیام‌شان از دورترین نقطهٔ دنیا شنیده می‌شود.»

<sup>۱۹</sup> باز می‌پرسم: آیا قوم اسرائیل این را نمی‌دانستند؟ اول، موسی می‌گوید:

«من به وسیلهٔ کسانی که حتی قومی به شمار نمی‌آیند،

حسادت شما را برمی‌انگیزم،

و توسط قوم نادان،

شما را به خشم خواهم آورد.»

<sup>۲۰</sup> و بعد اشعیای نبی با جرأت بیشتر در مورد خدا می‌گوید:

«کسانی مرا یافتند که جویای من نبودند،

و خود را بر کسانی آشکار ساختم که در جستجوی من نبودند.»

<sup>۲۱</sup> اما درباره قوم اسرائیل، خدا می فرماید:

«تمام روز با آغوش باز منتظر بازگشت

این قوم نافرمان و سرکش هستم.»

## فیض خدا نسبت به اسرائیل

۱) شاید کسی پرسد، آیا خدا قوم برگزیده خود را رد کرده است؟ هرگز نه! خود من از

قوم بنی اسرائیل، از نسل ابراهیم و از قبیله بنیامین هستم. <sup>۲</sup> خدا قوم خود را که از ابتدا

می شناخت، رد نکرده است. آیا نمی دانید که در نوشته های پیامبران چه آمده است؟ وقتی الیاس

پیامبر برای قوم اسرائیل نزد خدا شفاعت می کند و می گوید: <sup>۳</sup> «خداوندا، آنها پیامبران تو را

گشته اند و قربانگاه های تو را ویران ساخته اند و من تنها باقی مانده ام و اینک آنها قصد جان مرا

دارند.» <sup>۴</sup> جواب خدا به او چه بود؟ «من هفت هزار مردی را که در پیش بت بعل زانو نزده اند،

برای خود نگهداشته ام.» <sup>۵</sup> همین گونه در زمان حاضر نیز عده بی باقی مانده اند که به فیض خدا

انتخاب شده اند. <sup>۶</sup> اگر این از فیض خداست، دیگر بسته به اعمال انسانی نیست و اما اگر به

اعمال انسان مربوط باشد، دیگر فیض معنایی نخواهد داشت.

<sup>۷</sup> این یعنی چه؟ یعنی این که قوم اسرائیل آنچه را که جستجو می کرد، نیافت. برگزیده گان آن را

یافتند و دیگران سنگدل گردیدند. <sup>۸</sup> چنان که در نوشته های پیامبران آمده است:

«خدا یک حالت بی حسی به ایشان داد،

یعنی چشمانی که نتوانند بینند و گوشهایی که نتوانند بشنوند

و تا به امروز این حالت را دارند.»

<sup>۹</sup> و داوود پادشاه می گوید:

«دسترخوان آنها برای شان دام گردد

و سنگی شود که باعث لغزش آنها شده،

جزای کارهای شان را ببینند.

<sup>۱۰</sup> چشمان آنها کور شود تا نبینند

و کمرهای شان زیر بار همیشه خم گردد.»

<sup>۱۱</sup> پس شاید باز هم کسی پرسد، آیا آنها لغزش خوردند تا برای همیشه بیفتند؟ هرگز نه! بلکه تا

در نتیجه گناه آنها، نجات به غیریهودیان برسد و این باعث برانگیختن غیرت قوم اسرائیل

گردد. <sup>۱۲</sup> حال اگر گناه آنها موجب برکت جهان شد، و شکست ایشان موجب سعادت مندی ملتها

گردید، پس فکر کنید که این برکت چقدر بیشتر خواهد بود، هرگاه تعداد نجات یافته گان یهودی

به کمال برسد!

## نجات غیریهودیان

<sup>۱۳</sup> اکنون ای غیریهودیان، روی سخن من با شماست. چون خود من رسولی برای غیریهودیان

هستم، به وظیفه خود افتخار می کنم. <sup>۱۴</sup> شاید با این روش بتوانم غیرت قوم خود را تحریک کنم

و باعث نجات بعضی از آنها گردم، <sup>۱۵</sup> زیرا اگر رد شدن آنها باعث آشتی جهان با خدا شد، پس

قبول شدن آنها چه نتیجه بی جز زنده شدن از مرده گان خواهد داشت؟

<sup>۱۶</sup> اگر اولین زغاله خمیر به نام خدا تقدیس شده باشد، بقیه آن نیز مقدس است و اگر ریشه درخت تقدیس شده باشد، شاخه‌هایش نیز مقدس می‌باشند. <sup>۱۷</sup> اما اگر بعضی از شاخه‌ها بریده شده‌اند و تو که نهال زیتون وحشی بودی به جای آنها پیوند شدی و اکنون در ریشه و چربی زیتون شریک گردیدی، <sup>۱۸</sup> پس به برتری خود به شاخه‌های بریده شده فخر نکن. اگر چنین می‌کنی، به خاطر داشته باش که ریشه بر تو استوار نیست بلکه تو بر ریشه استوار هستی.

<sup>۱۹</sup> اما شاید کسی بگوید: «شاخه‌ها بریده شدند تا من پیوند کردم.» <sup>۲۰</sup> درست است، ولی آنها به علت بی‌ایمانی بریده شدند و تو به وسیله ایمان در آنجا می‌مانی، پس مغرور نباش بلکه بترس. <sup>۲۱</sup> زیرا اگر خدا از بریدن شاخه‌های طبیعی خودداری نکرد، از بریدن تو نیز صرف نظر نخواهد نمود. <sup>۲۲</sup> پس مهربانی و سختگیری خدا را به یاد داشته باش. خدا نسبت به آنهایی که دور افتاده‌اند سختگیر است اما نسبت به تو مهربان است به شرط این که در مهربانی او بمانی. اگر نه، تو نیز بریده خواهی شد. <sup>۲۳</sup> اگر آنها نیز به بی‌ایمانی خود ادامه ندهند، دوباره پیوند خواهند شد، زیرا خدا قادر است که آنها را بار دیگر پیوند نماید. <sup>۲۴</sup> زیرا اگر تو که از زیتون وحشی بریده شدی و به طور غیرطبیعی به زیتون اهلی پیوند گردیدی، پس چقدر آسانتر است که این شاخه‌های طبیعی به درخت خود پیوند شوند.

## رحمت خدا برای همه

<sup>۲۵</sup> ای ایمانداران! برای این که شما در فکر خود مغرور نشوید، می‌خواهم این راز را درک کنید که یک سنگدلی موقتی بر بخشی از قوم اسرائیل قرار گرفته است و این سنگدلی فقط تا زمانی خواهد بود که تعداد غیریهودیانی که نجات می‌یابند، تکمیل گردد. <sup>۲۶</sup> به این ترتیب تمام قوم اسرائیل نجات خواهند یافت. چنان که در نوشته‌های پیامبران آمده است:

«نجات‌دهنده از شهر صهیون خواهد آمد،

و بی دینی را از نسل یعقوب برخواهد داشت.

<sup>۲۷</sup> این پیمان من با آنها خواهد بود،

هنگامی که گناهان شان را بر طرف سازم.»

<sup>۲۸</sup> از لحاظ خبرخوش، قوم اسرائیل دشمن خدا هستند و این به نفع شماست، اما از لحاظ انتخاب خدا، به خاطر اجدادشان هنوز محبوب خدا هستند. <sup>۲۹</sup> زیرا نعمتهای خدا و دعوت او برگشت ناپذیر است. <sup>۳۰</sup> ای غیریهودیان، همان طور که شما زمانی نسبت به خدا نافرمان بودید، ولی اکنون به سبب نافرمانی یهودیان رحمت یافته اید، <sup>۳۱</sup> اکنون آنها نیز نافرمان شده اند تا در نتیجه رحمت خدا بر شما، بر آنها نیز رحم شود. <sup>۳۲</sup> زیرا خدا تمام مردم را گرفتار نافرمانی کرده است تا بر همه رحمت کند.

<sup>۳۳</sup> ثروت خدا چقدر بزرگ است و حکمت و معرفت او چقدر عمیق می باشد! هدفهای او غیرقابل درک و راههای او غیرقابل فهمند! <sup>۳۴</sup> زیرا:

«کیست که افکار خداوند را درک نموده،

یا کیست که مشاور او بوده باشد؟»

<sup>۳۵</sup> «کیست که چیزی به خدا قرض داده باشد،

تا آن را از او پس بگیرد؟»

<sup>۳۶</sup> زیرا همه چیز به وسیله خدا آفریده شد و همه چیز از طریق او و برای اوست. خدا را تا به ابد جلال باد. آمین!

## قربانی زنده برای خدا

۱۲ بنابراین ای ایمانداران! به خاطر رحمت‌های خدا، از شما درخواست می‌کنم که بدنهای خود را به عنوان قربانی زنده که مقدس و پسندیده‌ی خداست، به او تقدیم کنید. خدمت معقول شما همین است.<sup>۲</sup> همشکل این جهان نشوید بلکه بگذارید به وسیله‌ی تجدید افکار، وجود شما تغییر شکل یابد. آنگاه قادر به تشخیص اراده‌ی خدا خواهید بود، اراده‌ی که مفید، پسندیده و کامل است.

<sup>۳</sup> زیرا به واسطه‌ی فیضی که به من عطا شده است، به هر یک از شما می‌گویم که مغرور نباشید بلکه با عقل سالم فکر کنید و به اندازه‌ی ایمانی که خدا به هر یک از شما داده است، درباره‌ی خود درست قضاوت کنید.<sup>۴</sup> همان‌طور که در یک بدن اعضای مختلف هستند اما تمام اعضا یک وظیفه ندارند،<sup>۵</sup> ما نیز اگرچه تعداد ما زیاد است، در پیوسته‌گی با مسیح همه‌ی ما یک بدن را تشکیل می‌دهیم و هر یک اعضای یکدیگر هستیم.<sup>۶</sup> بنابراین ما باید تحفه‌های مختلفی را که خدا مطابق فیض خود به ما داده است، به کار ببریم. اگر تحفه‌ی ما رساندن پیام خداست، باید آن را مطابق با ایمانی که داریم انجام دهیم.<sup>۷</sup> اگر خدمت کردن است، باید خدمت کنیم. اگر تعلیم دادن است، باید تعلیم بدهیم.<sup>۸</sup> اگر تشویق کردن دیگران است، باید تشویق کنیم. اگر کمک به نیازمندان است، با سخاوتمندی کمک کنیم. آن که رهبر است با اشتیاق رهبری کند و شخص مهربان با خوشی خدمت خود را انجام دهد.

## روشهای محبت‌آمیز مسیحی

<sup>۹</sup> محبت شما باید حقیقی باشد. از بدی نفرت کنید و به نیکی پیوندید.<sup>۱۰</sup> یکدیگر را با محبت برادرانه دوست بدارید و هرکس به دیگری بیشتر از خود احترام نماید.<sup>۱۱</sup> با کوشش خسته‌گی ناپذیر و با روحی مشتاق، خداوند را خدمت کنید.<sup>۱۲</sup> امیدتان مایه‌ی خوشی شما باشد، در سختی‌ها بردباری کنید و از دعا کردن خسته نشوید.<sup>۱۳</sup> در رفع نیازمندی‌های ایمانداران شرکت

نمایید و همیشه مهمان نواز باشید.

<sup>۱۴</sup> برای کسانی که به شما جفا می‌رسانند برکت خدا را طلب کنید، برای آنها برکت بخواهید، نه لعنت. <sup>۱۵</sup> با کسانی که خوش هستند، خوشحالی کنید و با کسانی که گریه می‌کنند، غم شریکی نمایید. <sup>۱۶</sup> برای یکدیگر ارزش برابر قائل باشید. مغرور نباشید و از معاشرت با حقیران خودداری نکنید و خود را برتر از دیگران نشمارید.

<sup>۱۷</sup> به هیچ‌کس به عوض بدی، بدی نکنید. متوجه باشید آنچه را که در نظر مردم پسندیده است، انجام دهید. <sup>۱۸</sup> تا آنجا که امکان دارد و مربوط به شما می‌شود، با همه مردم در صلح زندگی کنید. <sup>۱۹</sup> برادران و خواهران عزیز، هیچ‌وقت انتقام نگیرید بلکه آن را به غضب خدا واگذارید، زیرا در نوشته‌های پیامبران گفته شده است:

«خداوند می‌فرماید: من از آنها انتقام می‌گیرم

و من جزا خواهم داد.»

<sup>۲۰</sup> برعکس:

«اگر دشمن تو گرسنه باشد، به او غذا بده

و اگر تشنه باشد، به او آب بده،

زیرا با این کار آتش بر سر او فرو خواهی ریخت که این باعث شرمندگی او خواهد شد.»

<sup>۲۱</sup> مغلوب بدی نشوید بلکه بدی را با خوبی مغلوب سازید.

## وظیفه ما نسبت به صاحبان قدرت

۱۳ همه باید از حاکمان دولتی اطاعت نمایند، زیرا بدون اجازه خدا هیچ قدرتی وجود ندارد و صاحبان قدرت را خدا مقرر کرده است.<sup>۲</sup> از این جهت هرکس با آنها مخالفت کند، با آنچه خدا برقرار کرده است مخالفت می کند و بر خود محکومیت به بار می آورد.<sup>۳</sup> زیرا فرمانروایان باعث وحشت نیکوکاران نیستند بلکه بدکاران باید از آنها بترسند. پس اگر می خواهی از صاحبان قدرت ترسی نداشته باشی، کار خوب انجام بده تا مورد توصیف آنها باشی،<sup>۴</sup> چون که آنها خدمتگار خدا هستند و برای خیریت تو کار می کنند. اما اگر کار نادرست انجام دهی از ایشان بترس، زیرا آنها قدرت جزا دادن را دارند. صاحبان قدرت، خدمتگاران خدا هستند تا غضب خدا را در مورد خطاکاران اجرا نمایند.<sup>۵</sup> بنابراین لازم است که نه تنها به خاطر ترس از غضب خدا بلکه برای آرامش وجدان خود از آنها اطاعت کنید.<sup>۶</sup> به همین سبب است که شما مالیات می پردازید، زیرا وقتی صاحبان قدرت وظیفه خود را انجام می دهند، این کار در خدمت خداست.<sup>۷</sup> پس مسئولیت تان را در مقابل کسانی که بر شما حق دارند، بدانید. مالیات را به مقامات دولتی و محصولات را به مأمور وصول آن بپردازید. آن کسی را که سزاوار احترام است، احترام کنید و آن کسی را که مستحق عزت است، عزت نمایید.

## به یکدیگر محبت کنید

<sup>۸</sup> در هیچ مورد به کسی قرضی نداشته باشید، بلکه یگانه مسئولیت تان این باشد که به یکدیگر محبت کنید. کسی که دیگران را محبت کند، شریعت خدا را بجا آورده است.<sup>۹</sup> همه احکام خدا: «زنا نکن، قتل نکن، دزدی نکن، طمع نکن» و هر حکم دیگر در زیر این حکم که «همسایهات را مانند خود دوست بدار،» خلاصه شده است.<sup>۱۰</sup> کسی که همسایه خود را دوست دارد، به او بدی نمی کند. پس محبت کردن شریعت را کامل می سازد.

<sup>۱۱</sup> شما می دانید که اکنون زمان بیدار شدن از خواب فرارسیده است، زیرا نجات ما امروز بسیار



نزدیکتر از آن روزی است که ایمان آوردیم.<sup>۱۲</sup> شب تقریباً به پایان رسیده است و آمدن روز نزدیک می‌باشد، پس دیگر کارهای بد را که به تاریکی تعلق داشت، از خود دور کنیم و برای زندگی کردن در نور یعنی انجام دادن کارهای عادلانه آماده باشیم.<sup>۱۳</sup> پس باید مانند کسانی رفتار کنیم که در روشنایی روز به سر می‌برند و از عیاشی و مستی، هرزه‌گی و فساد اخلاقی و نزاع و حسادت پرهیزیم،<sup>۱۴</sup> بلکه خصلت خداوند ما عیسی‌ای مسیح را مانند لباس نو پوشیده و دیگر در فکر انجام دادن خواهشهای نفسانی خود نباشیم.

## نسبت به دیگران قضاوت نکنید

۱۴<sup>۱</sup> شخصی را که در ایمان خود ضعیف است، در میان خود بپذیرید، بدون آن که دربارهٔ عقیدهٔ شخصی او قضاوت نمایید.<sup>۲</sup> ایمان یک شخص اجازه می‌دهد که هر غذایی را بخورد اما آن شخص دیگری که در ایمان هنوز ضعیف است، فقط سبزیجات را می‌خورد.<sup>۳</sup> کسی که هر غذایی را می‌خورد، نباید کسی را که فقط سبزیجات را می‌خورد، تحقیر کند و شخصی که هر چیز را نمی‌خورد، نباید بر کسی که هر غذایی را می‌خورد قضاوت کند، زیرا خدا او را پذیرفته است.<sup>۴</sup> تو کیستی که دربارهٔ خدمتگزار شخص دیگری قضاوت کنی؟ این که آیا آن خدمتگزار در خدمت خود موفق می‌شود یا نه، مربوط به صاحب اوست. ولی او موفق خواهد شد، زیرا خداوند قادر است که او را استوار نگهدارد.

۵<sup>۵</sup> یک نفر، یک روز را نسبت به روزهای دیگر بیشتر ارزش می‌دهد اما یک شخص دیگر همه روزها را یکسان می‌پندارد. هرکس باید به عقیدهٔ خود باور کامل داشته باشد.<sup>۶</sup> آن شخص که روز معینی را بزرگ می‌شمارد، این را برای احترام سرور ما عیسی‌ای مسیح می‌کند. شخص دیگر که همه چیز را می‌خورد به احترام سرور ما این کار را می‌کند زیرا خدا را شکر می‌نماید. اما آن شخص که همه چیز را نمی‌خورد به خاطر عیسی‌ای مسیح نمی‌خورد و از خدا سپاسگزار است.<sup>۷</sup> پس هیچ‌یک از ما فقط برای خود زندگی نمی‌کنیم و یا برای خود نمی‌میریم.<sup>۸</sup> اگر زندگی

می‌کنیم، برای خداوند است و اگر می‌میریم، آن نیز برای خداوند است. پس خواه زنده و خواه مُرده، متعلق به عیسیای مسیح هستیم.<sup>۹</sup> به همین سبب مسیح مُرد و دوباره زنده شد تا سَرور مُرده‌گان و زنده‌گان باشد.<sup>۱۰</sup> پس تو چرا دربارهٔ ایمانداران قضاوت می‌کنی؟ یا چرا ایمانداران را حقیر می‌شماری؟ همهٔ ما برای قضاوت شدن در حضور خدا خواهیم ایستاد،<sup>۱۱</sup> زیرا در نوشته‌های پیامبران آمده است:

«خداوند می‌فرماید:

به ذات خودم سوگند که همه در برابر من به زانو خم خواهند شد،

و همه با زبان خود خدا را ستایش خواهند نمود.»

<sup>۱۲</sup> پس هر یک از ما باید حساب خود را به خدا پس بدهیم.

## ایمانداران نباید باعث لغزش یکدیگر شوند

<sup>۱۳</sup> بنابراین، بیاید از این به بعد در مورد یکدیگر قضاوت نکنیم. به جای آن، تصمیم بگیریم که هیچ سنگ لغزش یا مانعی در راه ایمانداران نگذاریم.<sup>۱۴</sup> من می‌دانم و در عیسیای مسیح یقین دارم که هیچ چیز به خودی خود نجس نیست اما برای کسی که آن را نجس می‌داند، نجس خواهد بود.<sup>۱۵</sup> اگر یک ایماندار به خاطر غذایی که تو می‌خوری آزرده شود، دیگر از روی محبت رفتار نمی‌کنی. نگذار آنچه می‌خوری موجب هلاکت شخصی که مسیح در راه او جان خود را فدا کرد، گردد.<sup>۱۶</sup> نگذارید آنچه را که برای شما خوب است، دیگران از آن بدگویی کنند،<sup>۱۷</sup> زیرا پادشاهی خدا در مورد خوردن و نوشیدن نیست بلکه در مورد عدالت، سلامتی و خوشی در روح مقدس است.<sup>۱۸</sup> هرکس عیسیای مسیح را به این طریق خدمت کند، خدا را خوشنود می‌سازد و نزد انسان نیز مورد پذیرش می‌باشد.

<sup>۱۹</sup> پس بیاید آنچه را که موجب برقراری صلح در میان ما و رشد یکدیگر می‌شود، دنبال کنیم.  
<sup>۲۰</sup> کار خدا را به خاطر خوردن خوراک، خراب نکنید. تمام خوراکی‌ها پاک هستند اما اگر کسی به وسیلهٔ آنچه می‌خورد باعث لغزش شخص دیگری شود، گناه می‌کند. <sup>۲۱</sup> همچنان اگر خوردن گوشت یا نوشیدن شراب و یا انجام کارهای دیگر شما موجب لغزش ایمانداران شود، بهتر است از آن دست بکشید. <sup>۲۲</sup> پس عقیدهٔ خود را دربارهٔ این مطلب بین خود و خدا نگهدارید. خوشا به حال کسی که وقتی کاری انجام می‌دهد، باعث محکومیت خود نگردد. <sup>۲۳</sup> اما اگر کسی در مورد خوردن غذایی دچار شک گردد ولی آن را بخورد، محکوم می‌شود زیرا مطابق ایمانش عمل نکرده و هر عملی که از روی ایمان نباشد، گناه است.

## در فکر آسایش دیگران باشید

**۱۵** <sup>۱</sup> ما که در ایمان قوی هستیم، وظیفه داریم که ضعیفان را در ناتوانی‌های‌شان کمک نموده و فقط در فکر آسایش خود نباشیم. <sup>۲</sup> هر یک از ما باید برای خوبی و آسایش دیگر ایمانداران بکوشیم تا آنها در ایمان خود رشد کنند، <sup>۳</sup> زیرا عیسیای مسیح نیز در فکر آسایش خود نبود. چنان‌که در نوشته‌های پیامبران آمده است: «توهین‌هایی که آنها به تو می‌کردند، به من رسید.» <sup>۴</sup> زیرا هرچه در گذشته نوشته شد، برای آموزش ما بود تا با بردباری و آن دلگرمی‌یی که نوشته‌های پیامبران به ما می‌بخشد، امیدوار باشیم. <sup>۵</sup> حالا خدایی که سرچشمهٔ بردباری و دلگرمی است، شما را قادر بسازد تا با پیروی از عیسیای مسیح، همفکر باشید، <sup>۶</sup> تا همه با هم یکدل و یک زبان، خدا را که پدر سرور ما عیسیای مسیح است، ستایش کنید.

## خبرخوش را به همه برسانید

<sup>۷</sup> پس همان‌گونه که مسیح شما را پذیرفته است، شما نیز یکدیگر را برای جلال خدا بپذیرید.  
<sup>۸</sup> به یاد داشته باشید که مسیح، خدمتگزار قوم اسرائیل گردید تا درستی آن وعده‌هایی را که خدا به

پدران‌شان داده بود، تأیید نماید،<sup>۹</sup> و هم این که ملت‌های دیگر خدا را برای رحمت او ستایش نمایند. چنان‌که در نوشته‌های پیامبران آمده است:

«از این جهت تو را در میان ملت‌ها ستایش خواهم کرد

و برای تو سرود پرستش خواهم خواند.»

<sup>۱۰</sup> و باز هم نوشته شده است:

«ای ملت‌های دیگر، با قوم برگزیدهٔ خدا خوشی کنید.»

<sup>۱۱</sup> باز هم چنین آمده است:

«ای تمامی ملت‌ها، خداوند را حمد گوید!

و ای تمامی مردم، خدا را ستایش کنید.»

<sup>۱۲</sup> و اشعیای نبی نیز می‌گوید:

«از نسل یسی کسی پیدا خواهد شد،

و او برای حکومت کردن بر ملت‌ها می‌آید،

و امید ملت‌ها بر او خواهد بود.»

<sup>۱۳</sup> پس خدایی که سرچشمهٔ امید است، شما را چنان از همه خوشی و صلح و سلامتی کامل در ایمان‌تان پُر سازد که با قدرت روح مقدس، سرشار از امید باشید.

## خدمت پولس در میان غیریهودیان

<sup>۱۴</sup> ای ایمانداران! من خود این اطمینان را دارم که شما پُر از خوبی هستید، از معرفت کامل برخوردار بوده و توانایی آن را دارید که همدیگر را نصیحت کنید. <sup>۱۵</sup> اما در این نامه با کمال جرأت مطالبی را به شما گفتم زیرا که من فیض خدا را در این کار دریافت کرده‌ام، <sup>۱۶</sup> تا خدمتگار عیسای مسیح برای غیریهودیان باشم. من برای خدمت به خبرخوش خدا، وظیفهٔ یک کاهن را دارم تا غیریهودیان را به عنوان هدیه‌یی به خدا تقدیم نمایم، هدیه‌یی که به وسیلهٔ روح مقدس تقدیس شده و مورد قبول خدا خواهد بود. <sup>۱۷</sup> پس می‌توانم در عیسای مسیح به کارهایی افتخار کنم که برای خدا انجام داده‌ام. <sup>۱۸</sup> زیرا من جرأت نمی‌کنم در مورد چیزی سخن بگویم جز آنچه مسیح توسط من به عمل آورده است تا غیریهودیان را از طریق گفتار و کردار من برای اطاعت از خدا رهبری کند. <sup>۱۹</sup> این کار به وسیلهٔ قدرت نشانه‌ها و معجزه‌ها و به نیروی روح خدا انجام داده شد، زیرا که من از شهر اورشلیم تا منطقهٔ ایلیریکوم را پیموده و خبرخوش مسیح را همه جا پخش کرده‌ام. <sup>۲۰</sup> هدف من همیشه این بوده است که در جاهایی که نام عیسای مسیح هنوز به گوش مردم نرسیده است، این خبرخوش را برسانم تا مبادا بر تهدابی که کسی دیگری آن را نهاده است، چیزی آباد کنم. <sup>۲۱</sup> چنان‌که در نوشته‌های پیامبران گفته شده است:

«کسانی که دربارهٔ او چیزی نشنیدند، او را خواهند دید

و آنهایی که از او بی‌خبرند، خواهند فهمید.»

<sup>۲۲</sup> این است دلیل آن که چندین بار برای آمدن نزد شما موفق نشدم.

**برنامهٔ پولس برای دیدار از ایمانداران مقیم شهر روم**

<sup>۲۳</sup> اما حالا که دیگر کار من در این مناطق تمام شده است و از جانب دیگر سالهاست که مشتاق

ملاقات شما هستم،<sup>۲۴</sup> امیدوارم در وقت سفر خود به اسپانیا، با شما دیداری داشته باشم و بعد از آن در نظر دارم با کمک شما به سفر خود ادامه دهم.<sup>۲۵</sup> اما حالا برای خدمت به ایماندارانی که در اورشلیم زندگی می‌کنند، عازم آنجا هستم،<sup>۲۶</sup> زیرا ایمانداران در مقدونیه و جنوب یونان چنین صلاح دیدند که به خاطر کمک مالی به ایمانداران نیازمند در اورشلیم، مبلغی به شکل اعانه بفرستند.<sup>۲۷</sup> آنها صلاح دانستند که این کار را انجام دهند و در حقیقت آنها مدیون برادران یهودی هستند، زیرا غیریهودیانی که در برکت‌های روحانی یهودیان شریک شدند، وظیفه دارند یهودیان را با برکت‌های مادی خود خدمت کنند.<sup>۲۸</sup> بنابراین هر وقت این خدمت را انجام دادم و مبلغی را که جمع شده است به دست آنها سپردم، به طرف اسپانیا حرکت خواهم کرد و در سر راه با شما نیز دیداری خواهم داشت.<sup>۲۹</sup> یقین دارم که وقتی نزد شما بیایم، با برکت‌های عیسیای مسیح خواهم آمد.

<sup>۳۰</sup> ای ایمانداران! به خاطر سرور ما عیسیای مسیح و برای آن محبتی که روح مقدس به شما می‌بخشد، از شما خواهش می‌کنم که با دعا‌های خود در پیشگاه خدا همکاران جدی من باشید.<sup>۳۱</sup> دعا کنید که من از دست بی‌ایمانان در یهودیه در امان باشم و خدمت من مورد قبول ایمانداران اورشلیم واقع شود.<sup>۳۲</sup> تا که به خواست خدا، با خوشی به سوی شما بیایم و از حضورتان نیروی تازه بگیرم.

<sup>۳۳</sup> خدا که سرچشمه صلح و سلامتی است، با همه شما باشد. آمین!

## سلام پولس برای اعضای کلیسا در شهر روم

**۱۶** <sup>۱</sup> خواهر ما فیبی را که خادمه کلیسا در شهر کنخریه است به شما معرفی می‌کنم.<sup>۲</sup> او را به نام عیسیای مسیح، آن‌طور که شایسته ایمانداران خداست بپذیرید و هر کمکی که نیاز داشته باشد برایش بکنید، زیرا خود او به بسیاری از مردم و همچنان به من کمک نموده است.

<sup>۳</sup> به پریسکیلا و اکیلا، همکاران من در عیسای مسیح، سلام بگویید. <sup>۴</sup> آنها جان خود را به خاطر من به خطر انداخته‌اند، نه تنها من بلکه تمام کلیساهای غیریهودیان نیز از آنها سپاسگزارند. <sup>۵</sup> به اعضای کلیسایی که در خانه آنها تشکیل می‌شود، سلام برسانید. به دوست عزیز خود اپیتتوس که اولین شخص در ولایت آسیا بود که به مسیح ایمان آورد، نیز سلام می‌رسانم. <sup>۶</sup> همچنان به مریم که برای شما زحمت زیاد کشیده است، سلام برسانید. <sup>۷</sup> به هموطنان من اندرونیکاس و همسرش یونیا که با من در زندان بودند، سلام برسانید. آنها در میان رسولان اشخاص قابل احترام هستند و پیش از من به عیسای مسیح ایمان آورده بودند. <sup>۸</sup> همچنان به دوست عزیزم در عیسای مسیح، امپلیاتوس سلام برسانید. <sup>۹</sup> به اوربانوس همکار من در خدمت به مسیح، و به استاخیس عزیز نیز سلام برسانید. <sup>۱۰</sup> به آپلیس آزموده شده در خدمت به مسیح و به خانواده ارستبولوس هم سلام برسانید. <sup>۱۱</sup> به هموطن من هیرودیون و ایمانداران خانواده نرکیسوس سلام برسانید. <sup>۱۲</sup> به تریفینا و تریفوسا که در کار عیسای مسیح فعال هستند سلام برسانید. همچنان به دوست عزیزم پرسیس که در خدمت عیسای مسیح زحمت بسیار کشیده است، سلام برسانید. <sup>۱۳</sup> به رؤس، برگزیده خداوند و همچنان مادرش که برای من مانند یک مادر بوده است، سلام برسانید. <sup>۱۴</sup> همچنان به اسونکریٹس، فلیگون، هرمیس، پتروباس، هرماس و ایمانداران دیگری که با آنها هستند، سلام مرا برسانید. <sup>۱۵</sup> به فیلولوگاس، جولیه، نیریاس و خواهرش و اولیمپاس و همه ایماندارانی که با ایشان‌اند، نیز سلام مرا برسانید. <sup>۱۶</sup> با بوسه مقدس به یکدیگر سلام دهید. تمام کلیساهای مسیح به شما سلام می‌رسانند.

## سخنان پایانی

<sup>۱۷</sup> ای ایمانداران! از شما خواهش می‌کنم متوجه آنهایی باشید که باعث تفرقه می‌شوند، گمراه می‌کنند و برخلاف آن تعلیمی که یافته‌اید، قدم برمی‌دارند. از چنین اشخاص دوری کنید. <sup>۱۸</sup> زیرا چنین اشخاص در حقیقت خدمتگاران سرور ما مسیح نیستند بلکه در خدمت خواهشهای جسمانی خود هستند و مردم ساده را با توصیف کردن و چاپلوسی نمودن فریب

می دهند.<sup>۱۹</sup> اطاعت شما از خدا در نزد همه معروف است و من هم از این موضوع شادمانم. اما آرزو دارم که در نیکوکاری ورزیده و در بدی کردن بی تجربه باشید.<sup>۲۰</sup> خدا که سرچشمه صلح و سلامتی است، به زودی شیطان را زیر پاهای شما خواهد کوبید. فیض خداوند ما عیسای مسیح با شما باد!

<sup>۲۱</sup> تیموتاوس همکار من به شما سلام می رساند. همچنان لوسیوس، یاسون و سوسیپاتوس هموطنان من به شما سلام می رسانند.<sup>۲۲</sup> من، ترتیوس، منشی پولس در نوشتن این نامه، هم به شما به نام عیسای مسیح سلام می فرستم.<sup>۲۳</sup> پولس می گوید: غایوس میزبان من که میزبان تمام کلیسا هم است و نیز ارسطوس خزانه دار شهر و برادر ما کوارتس به شما سلام می رسانند. ]<sup>۲۴</sup> فیض خداوند ما عیسای مسیح با همه شما باد، آمین. ]

<sup>۲۵</sup> تمام شکوه و جلال از آن خدای متعال است! خدا قادر است شما را مطابق خبرخوش عیسای مسیح که من اعلام می کنم و کشف آن رازی که قرنهای دراز مخفی مانده بود، قوی و استوار سازد.<sup>۲۶</sup> اکنون این حقیقت به وسیله نوشته های پیامبران آشکار شده و به حکم خدای ابدی به تمام ملت های دنیا اعلام گردیده است تا آنها ایمان آورند و اطاعت نمایند.<sup>۲۷</sup> تمام شکوه و جلال، به واسطه عیسای مسیح، تا به ابد متعلق به یگانه خدای حکیم است. آمین.